



انتظار از

تلویزیون برای اینکه مدرسه و دانشگاه باشد، به یک تعبیر حرف درستی نیست ولی به یک تعبیر حداقل باید از آن انتظار داشت ضد تربیت نباشد.

پت و مت نمونه‌های واضحی هستند. برخلاف برخی برنامه‌های کودکی که تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان آنها اساساً نمی‌دانند چه می‌کنند و صرفاً با جودگی‌ها پیش می‌روند.

در برنامه‌سازی کودک در صدا و سیما هیچ خط مشی منسجمی دیده نمی‌شود

آیا از نظر شما در امر برنامه‌سازی

در صدا و سیما خط مشی برای ترویج

قانون‌گرایی ترسیم شده است؟

متأسفانه حرف زیاد زده می‌شود اما از نظر بنده خیر. برنامه درسی به عنوان نقشه یادگیری در صدا و سیما وجود ندارد. ممکن است بگویند که چنین چیزی نیاز نیست اما بنده اعتقاد دارم که قطعاً باید چنین نقشه‌ای وجود داشته باشد. باید برنامه‌ساز بدانند مسیرش چیست و باید از چه راهی پیش رود و به چه چیزی برسد. مادر موارد دیگر هم در صدا و سیما چنین خط مشی را مشاهده نمی‌کنیم و این معضل فقط مربوط به حوزه کار کودک و موضوع قانون و آموزش ارزش‌ها نیست. مگر ما مثلاً در حوزه کارهای دینی در صدا و سیما از خط مشی دقیق و مشخصی استفاده می‌کنیم؟ قاعدتاً حوزه قانون‌گریزی هم روند مناسبی در این مورد نداشته است.

مالی دارند. مدار کار ما در این حوزه حول مجری-بازیگرهایی می‌گردد که هیچ نظامی بر کارشان حاکم نیست و فقط برحسب نوع استقبال مخاطب، به صحنه می‌آیند، می‌مانند یا می‌روند.

آموزش کودکان نباید مستقیم باشد

به طور کلی چه تیپ برنامه‌هایی

را در تعمیق این مفاهیم تأثیرگذارتر

می‌پندارید؟

برای کودکان سرگرم‌کنندگی و جذابیت حرف اول و آخر را می‌زند. البته جذابیت و سرگرم‌کننده بودن برنامه‌های کودکان شرط لازم این‌گونه برنامه‌هاست اما شرط کافی، بی‌تردید آموزش است. اما آموزش باید به معنای آموزشی بودن نیست. حتی برنامه‌های آموزشی مخصوص کودکان نیز نباید از زبانی مستقیم برخوردار باشند، بلکه هرچه این برنامه‌ها از جنبه‌های سرگرمی بیشتری داشته باشند، برای انتقال این مفاهیم مناسب‌ترند. به کارتون‌های جنجالی دقت کنید! لابلای ماجراهای پرجنجال خود چه حرف‌های اساسی و مهمی می‌زنند! حرف‌هایی که کودک بی‌آنکه متوجه فرایند انتقال آنها باشد، به خوبی و به سهولت در ذهن او تأثیر می‌گذارد. کارتون‌های بسیار موفق و آموزنده‌ای مثل تنسی تاکسیدو یا

اساسی برای برنامه‌سازی با یک ایده دقیق حاکم نباشد، این راه به جایی نمی‌رسد. از طرف دیگر مسأله پرکردن آنتن هم، خود مسأله جدایی است که جای تفکر دارد.

برنامه‌های اختصاصی کودکان که در

صدا و سیما تولید می‌شوند، آیا سطح

مناسبی در ارائه مفاهیم قانونمندی به

کودکان داشته؟ بیشتر مشکلات موجود

در این بخش را از چه لحاظی می‌دانید؟

این‌گونه برنامه‌ها کاملاً سلیقه‌ای، شخصی و اتفاقی بوده‌اند. گاهی اوقات شخصی با توانایی‌های لازم در حوزه رسانه و محتوا توانسته کارهای خوبی را ارائه دهد. به نظر من در این زمینه کارهای خارجی خوب زیادی انجام شده است. در ایران روند مشخصی برای این کارها وجود ندارد. دلیل آن هم این است که ما آدم این کار را نداریم، اولاً تهیه‌کننده تخصصی ویژه کودک نداریم و خیلی‌ها به دلایل مختلف کنار زده شدند. بسیاری از افراد که در این حوزه کار می‌کنند، تخصصی در این زمینه ندارند و از شناخت کافی در مورد مسائل تربیتی و روانشناختی کودک برخوردار نیستند. با لوس حرف زدن که نمی‌توان کار کودک انجام داد. تلویزیون ما در حوزه کودک توسط چند مجری اداره می‌شود و تهیه‌کنندگان اغلب فقط نقش

زیادی در مورد تأثیرات تلویزیون بر کودکان انجام شده است. این دیدگاه مخالفان زیادی نیز داشته است. خیلی از این مخالفت‌ها و موافقت‌ها معطوف به کارکرد رسانه و این سؤال اساسی بوده است، که آیا می‌تواند تأثیرگذار باشد یا اصلاً این حق را برای آن متصور هستیم که روی افراد تأثیرات دلخواه را بگذارد یا نه؟ اما به هر حال باید گفت تلویزیون روی یادگیری کودکان اثرگذار است. اما با توجه به تعریفی که بنده از تربیت دارم که در دو کلمه «یادگیری نافع» خلاصه می‌شود، اینکه تلویزیون بتواند به عنوان یک رسانه تربیت‌گر باشد، یعنی یادگیری نافع ایجاد بکند، هم جزو آرزوهای بشر است و هم جزو سؤالات اساسی آن. باید با تجربه و آزمایش دید که آیا این اتفاق رخ داده است یا نه. اغلب متخصصان رسانه، اساساً کارکرد تلویزیون را در بدو امر آموزش نمی‌دانند، اما ما به عنوان کسانی که در زمینه آموزش کار می‌کنیم، معتقدیم حتی اگر کارکرد تلویزیون را آموزش ندانیم، باید بپذیریم که به طور ضمنی این رسانه ممکن است یادگیری ایجاد کند اما ممکن است این یادگیری نافع نباشد. انتظار از تلویزیون برای اینکه مدرسه و دانشگاه باشد، به یک تعبیر حرف درستی نیست ولی به یک تعبیر دیگر حداقل باید از آن انتظار داشت ضد تربیت نباشد.

صدا و سیما تنها یک ظرف است

صدا و سیما در نهادینه کردن

قانون‌گرایی در ذهن کودکان چه

روش‌هایی را لازم است به کار بگیرد؟

ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که برای آموزش قانونمندی یا هر ارزش دیگری، ما باید یک نظام آموزشی مناسب داشته باشیم. هنگامی که این نظام آموزشی از طرف آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی دیگر کمتر وجود دارد، ما چگونه می‌توانیم از صدا و سیما چنین انتظاری را داشته باشیم. اما تلویزیون به عنوان یک رسانه مهم، از آنجا که چنان فرصت و امکانی مناسب شناخته می‌شود، امید زیادی در این رابطه بدان وجود دارد. خود صدا و سیما به عنوان یک فرصت و یک ابزار به خودی خود نمی‌تواند کار خاصی در این زمینه انجام دهد زیرا یک ظرف است، یک ابزار است. باید برنامه‌های درسی در این زمینه تهیه شده و با مشارکت صدا و سیما اجرا شود. آموزش و پرورش، نهادهای اجتماعی، پلیس، شهرداری‌ها و... هر کدام شاید به‌طور جداگانه فعالیت‌هایی کم‌بیش در این زمینه انجام دهند، اما برنامه‌های جامع وجود ندارد، صدا و سیما هم، چنین برنامه‌ای را ندارد، ولی اگر بخواهد در این زمینه کار کند، بسیار سریع‌تر از مدرسه و کتاب درسی می‌تواند مؤثر باشد.

نقش صدا و سیما در آموزش والدین

و چگونگی انتقال مفهوم قانونمندی به

فرزندان‌شان چیست؟

همان‌طور که بیان شد اساساً نباید به تلویزیون نقش آموزشی داد، بلکه تلویزیون صرفاً می‌تواند در اختیار کسانی باشد که در این حوزه اثرگذارند. این‌گونه آموزش‌ها می‌تواند به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم دنبال شود. اما در این حوزه مسائلی وجود دارد که مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. وقتی ما نه به لحاظ محتوایی، نه به لحاظ هدف و نه روش، یک برنامه مرتب و منسجم و دقیق نداریم، نمی‌توانیم به هدف خاصی نیز دست یابیم. شاید برخی برنامه‌ها و افراد و سریال‌ها تا حد زیادی در این موضوع موفق بوده‌اند اما این قبیل فعالیت‌ها به صورت مودی است و تأثیر آنها با گذشت زمان از بین می‌رود. صدا و سیما باید ابزار دست فرهیختگان و اندیشمندان باشد و با خود تبدیل به سازمان تربیتی عقلانی بدل شود و برنامه تربیتی مناسب برای آن تعریف شود. در غیراین صورت عملاً نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. تا زمانی که یک اراده



تنسی تاکسیدو یا پت و مت نمونه‌ای از کارتون‌های آموزنده و موفق



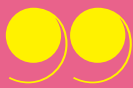
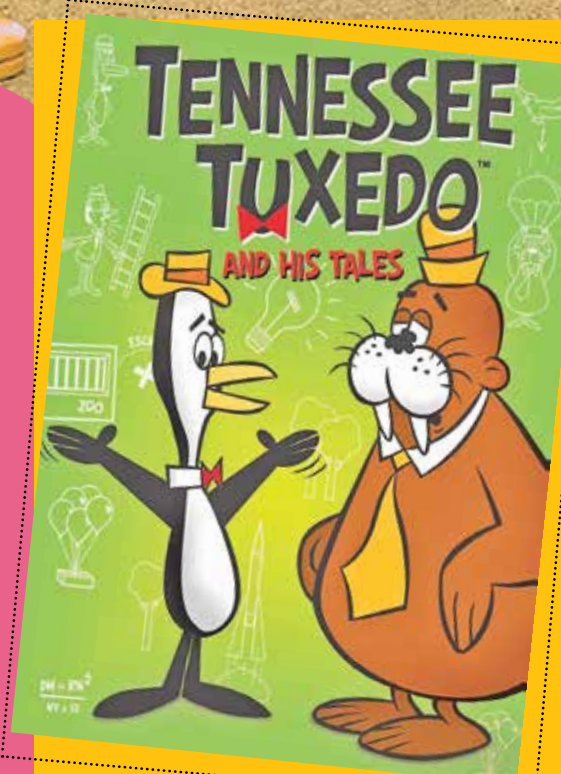
تلویزیون فعلی ما مدت‌هاست که در کما فرو رفته است

مهم‌ترین پیشنهادات‌تان را درباره بهبود تأثیرگذاری صدا و

سیما بر ترویج قانونمندی در قشر کودکان را بفرمایید.

رسانه اگر بخواهد بصیرت ایجاد کند، باید عقلانی باشد و بداند می‌خواهد چه کند. من صدا و سیما موجود را به موجودی تشبیه می‌کنم که مدت‌هاست در حالت کما فرو رفته، لاجرم روزی به این نتیجه می‌رسیم که باید شبکه‌های خصوصی در فضای رسانه‌ای کشور فعالیت کنند. بدون حضور شبکه‌های خصوصی، تلویزیون فعلی با این عرض و طول گسترده و بدنه سنگین و با تولید و پخش انحصاری، هر کاری بخواهد می‌کند و هر چه بخواهد باشد خواهد بود! پس پیشنهاد اول من امکان فعالیت رسانه‌های رقیب - البته تحت قوانین نظام - و رفع انحصار از تلویزیون فعلی و تبدیل صدا و سیما فعلی به یک سیستم هماهنگ‌کننده است.

دومین پیشنهاد، تخصصی شدن برنامه‌سازی برای کودکان است. چیزی که هر چه جلوتر می‌رویم، وضعیت بدتر و ناهنجارتری پیدا می‌کند. در ذیل همین موضوع پیشنهاد سوم این است که تلویزیون برای برنامه‌سازی کودکان باید سندی شبیه برنامه درسی داشته باشد تا نقشه و راهنمایی باشد در دستان برنامه‌سازان و مقیاسی باشد برای ارزیابی آنان.



بالوس حرف‌زدن که نمی‌توان کار کودک انجام داد. تلویزیون ما در حوزه کودک توسط چند مجری اداره می‌شود و تهیه‌کنندگان اغلب فقط نقش مالی دارند.